

زیارت در دائرة المعارف اسلام (۲)

اسکات اس. ریس و...
ترجمه: هادی ولی پور*

چکیده

بزرگ‌ترین مجموعه پژوهشی مستشرقان درباره دین اسلام، دائرة المعارف اسلام (EI)، چاپ لیدن هلند است که با تلاش خاورشناسانی چون گلدزیهر (Goldziher, Ignaz)، دخویه (M. J De Goeje) و هوتسما (Houtsma, Martin Theodore) از سال ۱۹۰۸م شده و تاکنون به ویراست سوم (EI3) رسیده است. موضوع زیارت به دلیل پرسش‌ها و چالش‌های فراروی آن در عصر حاضر، توجه اندیشمندان مسلمان بسیاری را جلب کرده است. ترجمه و ارزیابی مطالبی که با رویکرد تاریخی و روش خاص مستشرقان غیر مسلمان نگاشته شده، می‌تواند در تبیین برخی ابعاد این موضوع مفید باشد. مدخل زیارت در دائرة المعارف اسلام، مدخلی مفصل است که به دست تعدادی از مستشرقان تحریر شده و مناسک و کتاب‌های زیارتی را در ده نقطه مهم از جهان اسلام بررسی کرده است. بخش نخست این مدخل در شماره قبلی مجله میقات ارائه شد؛ بخش دوم آن در این مقاله تقدیم می‌شود و بخش‌های بعدی نیز در شماره‌های آتی ملحق می‌گردند.

کلمات کلیدی: زیارت، مقبره، مناسک، قدیس، شفاعت

*. مدیر واحد ترجمه پژوهشکده حج و زیارت، Hadi.Valipoor.B@Gmail.com

۲. زیارت در سرزمین‌های عربی مرکزی از سال ۸۰۰م تا امروز

دیدار از بقاع متبرکه و دیگر اماکن مقدس در قرن نوزدهم و بیستم میلادی ادامه داشت تا به یکی از ویژگی‌های رایج زندگی دینی در مصر، سوریه کبیر، عراق و عربستان تبدیل شد. با گسترش وسایل نقلیه مدرن و افزایش امنیت و آسایش سفر، تعداد زائران زیارتگاه‌های مهم؛ مانند احمد البدوی (Ahmad al-Badawi) در طنطا (Tanta؛ یکی از شهرهای کشور مصر) افزایش یافت. این اقبال، آرامگاه پیامبر اسلام و قبرستان قدیمی مدینه را نیز در بر گرفت. (مدینه و بقیع الغرقد^۱ را دائرة المعارف اسلام مشاهده کنید) البته زیارت این قبور مقدس، اغلب قبل و بعد از حج انجام می‌شود. در این باره، نابودی و تخریب مقبره‌ها و زیارتگاه‌های مکه، مدینه و نقاط دیگر عربستان به دست وهابی‌ها (Wahhabiyya)، در درازمدت سبب کاهش قابل ملاحظه دیدارکنندگان این اماکن، حداقل مهم‌ترین آنها، نشده است.^۲ از آن پس، هر زیارتی حداقل از نظر اصولی باید مطابق با قوانین سختگیرانه وهابی‌ها و با کنترل نمایندگان آنها انجام شود.

در دیگر کشورهای شرق عربی وضعیت متفاوت است. به دلایل بسیاری همچون توسعه شهری و مصادره اموال وقفی توسط دولت، بسیاری از زیارتگاه‌ها (به ویژه زیارتگاه‌های کوچک‌تر) نادیده گرفته شده یا تخریب گردیده است. با این حال، به تازگی برخی از زیارتگاه‌های جدید، شکوفا شده‌اند و برخی زیارتگاه‌های قدیمی نیز به دلایلی محبوبیتی به دست آورده‌اند که قبلاً نداشته‌اند. نمونه‌ای جالب از این پدیده، حرم سیده زینب علیها السلام (قبر الست) (Kabr al-Sitt) در نزدیکی دمشق است که نه تنها شیعیان، بلکه عموم از آن دیدار کرده‌اند. (مروین (Mervin) در بایبل (کتاب مقدس) (Bible) و شماره ۲۵ (۱۹۹۶) مجله الموسم). آرامگاه سیده زینب علیها السلام و مکان‌ها و پناهگاه‌های مقدس مسلمانان همچون اورشلیم (القدس)، حبرون (الخلیل) و سایر قبور مقدس در فلسطین (به ویژه کنعان در بایبل - کتاب مقدس -)، همیشه متأثر از شرایط سیاسی بوده که این تأثیر (مثبت یا منفی)، عملکرد واقعی زیارتگاه‌ها و تعداد زائران آن را دچار تغییر می‌کند.

۱. مدینه و بقیع الغرقد را مشاهده کنید. (Al-Gharqad)

۲. برای بررسی مکان‌هایی که از سال ۱۹۲۶م در مدینه تخریب شده است، ر.ک: العاملی، یوسف رغد (۱۹۹۷م)، معالم مکه و المدینة بین الماضي والحاضر، بیروت، ص ۴۰۱

زیارت، به طور کلی محبوب است؛ به ویژه زنان طبقات متوسط و پایین جامعه، بدان علاقه مند هستند. بسیاری از مسلمانان تحصیل کرده از تمام روش‌های سنتی احترام مقدس، سرپیچی، یا به شدت آن را محکوم می‌کنند. این افراد در بهترین حالت، خواهان اصلاح آیین‌ها بر اساس تعالیم سلفیه (Salafiyya) هستند؛ یعنی تمام گفتارها و کردارهایی که به نظر آنها بدعت (Bid'a) هستند، از بین برود.

در ادبیات مدرن، گاه انتقادات شدیدی از رخدادهای جشنواره‌های رایج، (موسم و مولد را در داترة المعارف اسلام مشاهده فرمایید) مانند فحشا و انواع بهره‌برداری از اعتقادات می‌شود. این انتقاد در آثار نویسندگان مذهبی محافظه کار، مدرنیست‌ها و (حتی بیشتر) سکولارها دیده می‌شود. با این حال، بسیاری از این نویسندگان به ابعاد معنوی و ارزش‌های اجتماعی زیارت اشاره می‌کنند.*

۳. زیارت در میان قبطی‌ها در مصر

مراکز زیارتی قبطیان ارتدوکس، که یک توپوگرافی^۱ کاملاً مسیحی را شکل می‌دهد، در سراسر مصر وجود دارد. این مراکز از قرن اول تا بیستم میلادی ساخته شده است. مسیر حرکت خاندان مقدس^۲ در فرار به مصر، نشانه‌گذاری شده است؛ از این رو، امروزه زیارت سنگ‌ها و درخت‌های مقدس نیز در اعمال قبطیان وجود دارد و مریم مقدس و عیسی مسیح را در کلیساها و صومعه‌هایی که در مکان‌های معروف ساخته شده است تکریم می‌کنند. این مسیر حرکت، از سخا^۳ در شمال، تا اسیوط در میانه مصر است. از برجسته‌ترین این مکان‌ها می‌توان به مسترود (Musturud) (که کلیسای مریم باکره در آنجا قرار دارد)، وادی النطرون (که دارای چهار صومعه است) و قاهره قدیم (با

* برای مصر، «Wielandt» را در قاموس کتاب مقدس مشاهده کنید.

۱. واژه فرانسوی Topographie: اصطلاح زمین‌شناسی به معنای نقشه‌برداری از موقعیت

طبیعی، محلی، یا ناحیه‌ای، با شرح چگونگی آن. (فرهنگ عمید)

۲. مقصود عیسای کودک به همراه مریم و همسرش یوسف است.

۳. سخا در حال حاضر روستایی در استان کفر شیخ مصر است. اما در اصل، شهری از شهرهای باستانی مصری بوده که نام آن به مصری «خاسوخوت»، به یونانی «اکسویس» و به زبان قبطی «سخوی» است. انگلیسی زبان حاضر به تبع نام یونانی‌اش، آن را «Xios» گویند.

کلیساهای ابوسرجه (Abu Sardja) و معلقه (Mu'allaka) و دو دیر برای راهبه‌ها) اشاره کرد. در چندین دیر و کلیسا؛ مانند دیر درنکه (Dronka) و دیر المَحْرَك (al-Muharrak) نزدیکی اسیوط، علاوه بر زیارت، چندین محل تولد (مولد) بزرگ هم شکل گرفته است (Catherine Mayeur-Jaouen)، مولد قبطیان، تکامل زیارت‌های سنتی،^۱ در N. Van Doom و K. Vogt، میان شهر و صحرا، کلیسای ارتدوکس قبطی امروز،^۲ اوسلو، ۱۹۹۸، صص ۲۹-۲۱۲).

بیشترین مراکز زیارتی، مربوط به شهدا و قدیسان؛ مانند ماری جرجیس، ابوسیفین، قدیسه دمیانه و مریم باکره است. تاریخ بسیاری از قدیسان محلی، قرن چهارم پس از میلاد است. با آغاز اصلاحات کلیسای قبطیان در دهه ۱۹۵۰م، بسیاری از مراکز زیارتی بازسازی شد و به شکل حرم‌های تازه‌ای درآمد که هر هفته هزاران زائر را به خود جذب می‌کند؛ زائرانی که دنبال کشف مجدد تاریخ و میراث قبطی خود هستند. حرم سنت مناس در مریوط،^۳ به عنوان نمونه‌ای از این تحولات، از اواخر عصر امپراطوری روم تا قرن نهم بعد از میلاد، یک مرکز بزرگ زیارتی بود. در سال ۱۹۵۹م، کلیسای قبطی در نزدیکی این محل، صومعه جدیدی به نام دیر ابومینا ساخت و دارایی‌های حرم سنت مناس (قدیس مار مینا) از قاهره به مریوط انتقال یافت. این منطقه، پس از آنکه پیکر پاتریارک محبوب، کریلوس ششم (م ۱۹۷۱م)، نیز در آنجا دفن شد، شهرت بیشتری یافت.

در حالی که مصر مسلمان، ریشه‌های مذهبی‌اش را تقویت می‌کرد، قبطیان نیز سرگرم پاکسازی روش‌های زیارتی خود از مراسم، عقاید و عناصر غیر مسیحی بودند. از دهه ۱۹۷۰م، زیارت، از سفر به مکانی مقدس با روش‌های بومی مشترک میان مسلمانان و مسیحیان، به رویدادی آیینی تبدیل شد. از آن پس، کلیسای قبطیان این آیین را هدایت و هماهنگ می‌کند؛ دعاها فی‌البداهه نیست و بر اساس متون از پیش تعیین شده قرائت می‌شود؛ توسل به قدیسان، توسط کشیش‌ها و راهبان و تمجیدهای* خوانده شده از روی برگه‌های چاپی است. این در حالی است که داوطلبانی با نظارت، بر زیارات، اطمینان

1. The Coptic Mouleds, Evolution of the Traditional Pilgrimages

2. Between Desert and City, The Coptic Orthodox Church Today

۳. دریاچه‌ای در شمال مصر، بحیره مربوط.

*. ترانه‌هایی در مدح قدیسان.

حاصل می‌کنند که از آموزه‌های کلیسا پیروی می‌شود. اغلب، مراسم عشاء ربانی برگزار می‌شود و به همین دلیل، مسلمانان، کمتر علاقه‌مند به دیدار این مکان‌ها هستند.

گرفتن تبرک* به شکل مقداری روغن مقدس، آویزی با تصویر قدیس یا ظرف کوچکی از حنوط،^۱ یکی از جنبه‌های مهم زیارت است.

زیارت با اهداف مختلفی همچون دعا برای بهبودی، نذر یا ادای نذر انجام می‌شود. زیارت در ایام میلاد، از بهترین زمان‌ها برای تعמיד کودکان و بیرون راندن ارواح خبیثه محسوب می‌شود. تکریم قدیس نیز جنبه مهمی از زیارت است؛ چراکه میان مردگان و زندگان و میان کلیسای روی زمین و کلیسای فاتح، پیوندی برقرار می‌کند. کلیساها برای رفتن به مراکز زیارتی مختلف، اردوهای اتوبوسی برگزار می‌کنند. این اردوها ارتباط با یکدیگر و قبطیان سراسر مصر صحنه بر هویت و ایمان خود را فراهم می‌کند.

۴. زیارت در مغرب

در سال ۷۶۰ م (۱۳۵۹ق)، وزیر سابق و محقق گرانادایی،^۲ ابن الخطیب*، در سفری به مراکش، خاضعانه از حرم قدیس حامی شهرهای مراکش، ابوالعباس السبیتی،^۳ (م ۶۰۶ق/ ۱۲۰۶م) دیدن کرد. این مرد اندلسی، تحت تأثیر ثروت و درآمد فراوان آن بارگاه قرار گرفت که روزانه معمولاً هشتصد مثقال و بعضی روزها به بیش از هزار دینار می‌رسید. چنین ثروتی نه تنها طمع کارکنان حرم را فرو نمی‌نشاند، بلکه آن را افزایش می‌داد و در توزیع آن، با مشکلاتی روبه‌رو می‌کرد. ابن الخطیب شاهد طرح این مسئله

*. ر.ک: مدخل مربوطه.

۱. صمغ معطری که در روز آن قدیس روی قبرش قرار داده شده «حنوط» در لغت به هر ماده خوش‌بویی گفته می‌شود که بدن یا کفن میت را بدان معطر کنند. لیکن در کلمات فقها، تنها درباره کافور به کار رفته که به مواضعی از بدن میت مالیده می‌شود. (لسان العرب، ج ۷، ص ۲۷۸).

۲. شهری در اسپانیا.

*. ر.ک: مدخل مربوطه.

۳. ابوالعباس أحمد بن جعفر الخزر جی السبیتی. (برای توضیحات بیشتر، ر.ک: مدخل مربوط)

نزد قضات و تشکیل دادگاه‌هایی درباره میزان ثروت نهاد مذهبی بود. انبوه زائرانی که به صورت دوره‌ای برای آزمودن قدرت‌های معجزه‌آسای قدیس مرده می‌آمدند، با هدایای خود، ثروت هوس‌انگیزی برای حرم به وجود می‌آوردند. آنها برای نذر، سکه‌هایی می‌پرداختند و آن، در «صندوق‌هایی که به همین منظور تعبیه شده بود، انداخته می‌شد.» (المقری، نفع الطیب (Nafh al-tib)، ج ۷، ص ۲۷۳) در مقابل، انتظار داشتند قدیس برای برآورده شدن حاجت آنها نزد خدا شفاعت کند.

مهم‌ترین این افعال و تصرفات (قدرت‌های معجزه‌آسا) (transactions)، کرامات خدادادی بود که گویا «السبتی» در هنگام حیات داشت و پس از مرگ نیز بر مبنای نظریه «معجزات قدیسان با مرگشان از بین نمی‌رود»، به مردم برکت می‌بخشید. (ابن قنفذ، صص ۶-۷) دیدگاهی که قرن هشتم قمری چهاردهم میلادی) در مغرب وجود داشت، این بود که پس از مرگ ابوالعباس السبتی، از معجزه‌های دوران حیاتش بیشتر است. العربی* (م. ۶۳۸ق/ ۱۲۴۰م)، که در سال ۱۲۰۰م از مرقد السبتی دیدار کرد، از ماهیت دوگانه (بی‌خطر و خطرناک) قدرت قدیس سخن می‌گوید:

او بیمار می‌سازد و درمان می‌کند، زنده می‌کند و می‌میراند، به برخی قدرت عطا می‌کند و از برخی می‌گیرد» (فتوحات، فصل ۴۸۵).

به علاوه، این قدیس در دوران حیاتش نیز عضو آیینی بود که هم با «نجبا» همراه بود و هم با «توده‌ها» و تمام آموزه‌های عرفانی او بر اصل خیرات بنا شده بود. احترام و اعتبار الثبتی و تعداد زائران او، که مایه ثروتمندی مدیران آیین الثبتی بودند، پس از مرگش تا جایی افزایش یافت که شهر به صورت سمبلیک، تحت حفاظت او قلمداد می‌شد.

این قدرت‌ها چگونه به دست آمده و چرا این قدیس انسانی، ابتدا در حیات و سپس در ممات خود، به عضوی از یک آیین خاص تبدیل شده، پاسخ داده است. وی در یکی از فصول المقدمه^۱ خود، که بسیاری از انسان‌شناسی تاریخی امروز روش‌های مذهبی غرب، در مقابل آن تنها نسخه‌ای پر زرق و برق است، می‌گوید:

*. ر.ک: مدخل مربوط.

۱. Mukaddima: مقدمه؛ از آثار ابن خلدون که به بررسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام در سده‌های هشتم و نهم قمری پرداخته است.

این قدیسان در زمره گروهی که او آنها را فقها و اهل‌الدین و العباده می‌خواند، قرار دارند؛ کسانی که چنان شهرتی به دست می‌آورند که مؤمنان آنها را در دریایی از هدایا غرق می‌کنند و در نتیجه، بدون هیچ تلاشی، به تمول می‌رسند. آنها کاری نمی‌کنند و مردم در عجب می‌مانند که چگونه چنین ثروتی به دست آورده‌اند. (مقدمه، نسخه انگلیسی، ترجمه روزنتال (Rosenthal)، ج ۲، ص ۸-۳۲۷، نسخه فرانسوی، ترجمه مونتی (Monteil)، ج ۲، ص ۲۰۹).

ابن خلدون به پدیده‌ای اشاره می‌کند که اگرچه در مغرب قدمتی طولانی داشت، در قرن‌های ششم و هفتم قمری (دوازدهم و سیزدهم میلادی)، چنان رشدی یافت که انقلابی در تعصب مذهبی غربی به وجود آورد و به آن شکلی نو بخشید. با وجود مخالفت علمای سخت‌گیرتر در شهرهای کوچک و شهرستان‌ها، به تدریج هاله‌ای از تقدس به دور یک نیروی اجتماعی جدید و رو به رشد به نام «قدیسان» شکل گرفت. این گروهی است که از قرن هشتم قمری (چهاردهم میلادی) به بعد، در منابع با نام مرابط (ر.ک: رباط) از آنها یاد شده است. قدرت این افراد را باید در ظرفیت آنها برای نمایش خود به عنوان «دریافت‌کنندگان امر الهی» (J. Berque) جست‌وجو کرد؛ ظرفیتی که قدرت آنها برای گسترش خوشبختی و کنار زدن بدبختی، از آن نشأت می‌گیرد. گشاده‌دستی، داوری و واسطه‌گری آنها در شهر نیز از عوامل ایجاد این قدرت بود. قدیسانی که خود را، به عنوان شخصیت‌هایی مستحکم، بر حاکمان و سایر عالمان مذهبی تحمیل می‌کردند، حتی در زمان ابن خلدون، و بسیار پیش‌تر از زمانی که بزرگان تنها در پی منحصر کردن ایمان مردم عادی به خود باشند، به شدت بر عقاید جامعه اثر می‌گذاشتند. زنان، مردان و بزرگ و کوچک، از آنها مصلحت‌اندیشی می‌کردند. آیا برای نشان دادن ایمان و وفاداری به سروری که فرد به دنبال برکت اوست، راهی جز تجلیل و تجدید بیعت مداوم وجود دارد؟ از همین رو «زیارت»، یکی از برجسته‌ترین مفاهیم زندگی مذهبی غربی، در رقابت با انواع سفرهای عبادی دیگر همچون حج، مرابطه و غیره، به یکی از مبانی اصلی عبادت غربی تبدیل شد. این مبنا در برخی مناطق تا اواسط قرن بیستم میلادی و در بعضی مکان‌های خاص، حتی تا امروز پا برجا است. (F. Reysoo، ۱۹۹۱م) زیارات مراکش (Pèlerinages au Maroc)

زیارت با توجه به ماهیت آن، می‌تواند فردی گروهی باشد. در نهایت، مفهوم زیارت هم اجتماع شهری و هم روستایی را برمی‌انگیزد؛ به عبارت دیگر، از نظر «مسافت

طی شده»، واحد است ولی از نظر محتوا و کارکرد، متکثر (یا چندشکلی) است. زنان و مردان، شهرنشینان و روستانشینان، صنعتگران و دهقانان، افراد تحصیل کرده و بی‌سواد، فرماندهان و فرمانبران، همه با هم می‌کوشند تا زیارت را به عملی آیینی تبدیل کنند که خصوصیات آن از ترتیب دقیقی می‌گیرد که انرژی، حرکت، مکان و زمان را با هم ترکیب می‌کند و الزامات مشخصی را تعیین می‌کند که باید هر بار تأمین شوند.

زیارت به صورت سفر فردی، از ویژگی‌های تعصب مذهبی غربی قرون وسطی نبود. این مفهوم، که در اواسط قرن هشتم میلادی در سرزمین‌های میانه اسلامی زاده شد، در مغرب تداوم یافت که آن را به یک سفر ممتاز معنوی تبدیل کرد. شکل دیگر زیارت، که گروه‌هایی از افراد را به حرکت درمی‌آورد، زیارت در ظرفیت جمعی است که به سادگی به زیارت محلی تبدیل می‌شود و مطمئناً از عناصر اصلی آیینی است که به قدیسان غربی ایمان دارند. [ر.ک: والی، ۲]. گرچه این زیارت جمعی، اغلب پس از مرگ قدیس شکل می‌گیرد، مواردی نیز وجود دارد که در زمان حیات وی انجام می‌شود. تشرف ابن الزیات التادلی ر.ک. تادله نمونه‌ای از هر دو مورد است. این رساله پرمداهنه، زندگی قدیسی از تادله، که در سال ۵۳۶ق (۱۱۴۱م) وفات کرده، را دنبال می‌کند.

در این رساله آمده است: مزارش مورد احترام بود و مردم، حتی امروز (اوایل قرن هفتم قمری (سیزدهم میلادی))، برای شفا گرفتن از تربت او به اینجا می‌آمدند. «التشوّف إلی رجال التصوف» (Tashawwuf)، ص ۱۰۶).

در مورد ابویعزی یلنور الهزمیری یا الهسکوری معروف (م ۵۷۳ق ۱۱۷۷م) نیز می‌خوانیم: «مردم از همه جای کشور نزد او می‌آمدند. وی آنها را [به خرج خود] طعام می‌داد و مرکب‌هایشان را از علوفه خود تغذیه می‌کرد». چنین سخاوتی پرهزینه بود و بنابراین، قدیس برای تأمین این هزینه‌ها، از «برادران دینی» خود (یعنی، شاگردانش) خیرات می‌پذیرفت. هنگامی هم که تعداد زائران بیش از آن بود که همگی بتوانند در زاویه او اقامت کنند «ساکنان روستاهای دیگر از ملاقات کنندگان پذیرایی می‌کردند.» (التشوّف، ص ۱۶۴).

برای درک چگونگی شکل‌گیری زیارت محلی، باید دانست که مزار، یک ابداع اجتماعی است. این مکانی است که همچون وقف، نوعی اثربخشی نمادین شده است. زیارتگاه حاجات و امیدهای افراد و گروه‌ها را متبلور می‌کند و هرچه اندازه آن بزرگتر باشد

اعتبارش بیشتر می‌شود. بنابراین، باید تعادلی میان حاجات افراد و گروه‌ها و برآورده شدن آنها وجود داشته باشد تا اعتبار منبع حفظ شود. به بیان دیگر، مرگ و زندگی مکان زیارتی در ید قدرت حاجات افراد و گروه‌ها است. قدیسان ممکن است در حیات خود مطرح باشند اما بعد از مرگ، به فراموشی سپرده شوند. اما کسانی چون ابویعزی (به عنوان نمونه روستایی) یا ابوالعباس السبئی (به عنوان نمونه شهری)، هم در زمان حیات خود محترم بودند و هم پس از مرگ، تا به امروز، موضوع آیین‌های تکریمی هستند. یک مزار مهم برای آنکه بتواند به حیات خود ادامه دهد، نیاز به مشارکت عوام، بزرگان مذهبی و طبقه حاکم در نهادینه‌سازی خود دارد. هرچه میزان فعالیت و همگرایی این سه شخصیت اصلی بیشتر باشد، امکان باقی ماندن مزار و شهرت جغرافیایی آن بیشتر می‌شود. به این ترتیب، شریفیسم (Sharifism) غربی در قرن نهم قمری (پانزدهم میلادی)، پدیده گسترده مذهبی و سیاسی بود. همچنین بدیهی است «کاشفان»ی که پیکر ادریس دوم، بنیانگذار شهر فاس،^۱ را در سال ۱۴۳۷م «کشف» کردند، عملاً در پی بازگرداندن شکوه دوره ادریسیان و ادعاهای مذهبی آنان بودند. (H. L. Beck، ۱۹۸۹م)، تصویر ادریس دوم (L'image d'Idris II، ۱۹۸۹) جامعه نیز، که بیش از یک قرن بود با اعتقاد به شکوه اجدادی شرفا [ر.ک: مدخل شرفا]، شرطی شده بود، به سرعت این کشف را پذیرفت. در قیروان^۲ نیز ملاحظات مشابهی بر آیین ابو زمعة البلوی (یکی از صحابه که در خاک تونس دفن شده)، حاکم است. به نظر می‌رسد احترام و تکریمی که به او می‌شود، از این عقیده نشأت می‌گیرد که وی گیس آرای پیامبر اسلام بوده و به همراه چند تار موی او دفن شده است. گرچه زمان آغاز این احترام و تکریم مشخص نیست، اما روشن است که پدیده‌ای متأخر می‌باشد؛ چراکه محل دقیق دفن او معلوم نیست. هنگامی که در نزدیکی این مکان فرضی، در قرن پنجم قمری (یازدهم میلادی) گورستانی ساخته شد، به محل رویدادهای آیینی تبدیل گردید. در قرن چهاردهم میلادی، صوفیان محلی، این مکان را از مکان‌های زیارتی و معروف‌ترین عبادتگاه‌های شهر قرار دادند. مقبره فرضی این مرد قدسی، به عنوان

۱. قدیمی‌ترین پایتخت مراکش (مغرب)

۲. از شهرهای مهم و تاریخی کشور تونس است.

مزاری «رسمی» مورد تقدیس قرار گرفت و قبه‌ای شش گوشه روی آن قرار داده شد. این قبه بعدها گسترش داده شده و به یک مجتمع معماری زاویه‌گونه تبدیل شد. (S. Bergaoui ۱۹۹۷م، زاویه صحابی قیروان در عصر مدرن، ۱ در SI، ۷۹، ص ۱۰۳-۳۲).

مراکش در قرن شانزدهم میلادی زیارتگاهی در یکی از شهرهایش برای مرقد قاضی عیاض (م ۵۴۴ق/ ۱۱۴۹م) [ر.ک: عیاض بن موسی] بنا کرد. بی تردید علت اینکه در این شهر مراکش، چهار قرن پس از مرگ شهر وی، مرقدی برای او ساخته شد، این بود که این شهر به مردی با تعصب مذهبی بی عیب و نقص نیاز داشت تا بر فرآیندی آیینی با عنوان زیارت سبعة الرجال، صحه گذارد. (H. de Castries ۱۹۲۴م)، هفت سرور مراکشی در هسپریس،^۲ (ج ۴، ص ۲۴۵) این حکیم الهی، نه در زمان حیات و نه ممات خود، هیچ کاریزمای خاصی نداشت. به گفته نویسنده لغتنامه زندگی‌نامه‌ای بزرگان مراکش:

مرقد او چندان شناخته شده نبود؛ چراکه در محل پررفت و آمدی قرار نداشت. تا اینکه خداوند آن را از طریق دفاتر محترم الفلاح [قدیسی صوفی که در سال ۱۵۷۰ وفات یافت] احیا کرد. (المراکشی، اعلام،^۳ ج ۹، ص ۳۴۱، نقل شده در K. Fekhari ۱۹۹۶م)، آیین قدیسان مراکش،^۴ رباط، ص ۹۱).

مثال دیگری از «اختراع» [ایجاد] زیارتگاه‌ها، مرقد ابن عبّاد الرندی (م ۷۹۲ق/ ۱۳۹۰م) در شهر فاس است. (P.Nwyia ۱۹۶۱م)، ابن عبّاد رندی (Ibn Abbdd de Ronda)، بیروت، (۱۹۶۱م، ص ۸۰ - ۱۱). بخش بزرگی از فصل‌های بسیار مستند زیست‌نامه قدیسان غربی به این موارد اختصاص دارد.

از زیارت‌های جمعی پیش از قرن پانزدهم میلادی، اطلاعات اندکی وجود دارد. تنها یک زیارت گروهی شناخته شده است که ابن قنفذ (م ۸۱۰ق ۱۴۰۷م [ر.ک: مدخل مربوطه]) در سال ۷۶۹ق (۱۳۶۷م)، هنگامی که در سرزمین دکاله، جایی در نزدیکی شهر اسفی، در سواحل اقیانوس اطلس مراکش، به قضاوت مشغول بود، آن را دیده است. او این

1. La Zawiya Sahabiyya de Kairouan à L'époque moderne
2. Les Sept Patrons de Marrakech
3. Al-Marrakushi, I'lam
4. Le Culte des Saints de Marrakech

زیارت را به صورت یک گردهمایی، که «تعداد بی شماری از مردم» را کنار هم جمع کرده بود، توصیف می‌کند. از اطلاعات موجود، می‌توان تصویری از ترکیب جامعه‌شناختی این زائران به دست آورد که هم علما، هم صوفیان و هم افراد عادی جامعه در آن حضور داشته‌اند. ابن قنفذ در این آیین، مجالسی را دیده است که بیماران به شرکت در آن تشویق می‌شدند و ادعا می‌کند وقتی بیماران از آن مجلس بیرون می‌آمدند، به طرزی معجزه‌آسا شفا یافته بودند.

این سفرها به صورت منظم انجام می‌شد، اما از اینکه چگونه و تحت چه شرایطی آغاز شده و در آنجا دقیقاً چه چیزی عبادت می‌شد، اطلاعی نداریم جزئیات دیگری نیز، مانند اینکه آیا زنان هم در این رویدادها حضور داشتند یا نه، در دسترس نیست. تا قرن شانزدهم میلادی، منابع توصیفی از این گردهمایی‌ها ارائه نشده است.

بسیاری از علما این سفرهای زیارتی را تأیید کرده بودند. بسیاری دیگر هم بدون محکوم کردن اصل مسئله، با تحریفات و زیاده‌روی‌هایی که در آنها صورت می‌گرفت، مخالف بودند؛ چون اغلب دربارهٔ مراسمی که در این زیارت‌های مذهبی انجام می‌شد، از فقها کسب فتوی، از این دوره به بعد، مطالب فقهی فراوانی در خصوص این پدیده در منابع وجود دارد. به‌ویژه بسیاری از مطالب فقهی و زیست‌نامه‌ای در این زمینه مربوط به قرن یازدهم قمری (هفدهم میلادی) هستند. عبدالکریم لغون، عالمی سلفی اهل قسنطینه،^۱ کتاب کاملی در رد «بدعت‌های گناه‌آلود» (بدعت، [ر.ک: مدخل مربوط]) که در آیین قدیسان کشورش دیده شده، نوشته است. او همچنین تصویر کاملی از زندگی مذهبی منطقه قسنطینه ارائه می‌دهد. یکی از مثال‌های بی‌شمار موجود در این کتاب به شرح زیر است:

مردی به مقدس بودن مشهور می‌شود. او زاویه‌ای درست می‌کند. تمام روز جلسات پرسروصدای جذبه در آنجا برگزار می‌شود که در آن، فقرایی در گروه‌های بزرگ به دور استاد می‌گردند. این افراد همچنین مسئول نظارت بر مجموعه و جمع‌آوری «مالیات مذهبی» (جیبایه) و صدقات قانونی از قبایل و دهکده‌های محلی هستند. شهرت این قدیس آن قدر گسترش می‌یابد که تقریباً تمام منطقه قسنطینه را در بر می‌گیرد. هر ساله کاروان (رکب) عظیمی (کلمه‌ای که در مورد کاروانی از زائران، که به مکان‌های مقدس می‌روند، نیز استفاده می‌شود) از شهرنشینان، دهقانان و صحرائنشینان به سمت این زاویه به راه می‌افتد. زائران انواع هدایا را به همراه دارند.

1. Constantine, Algeria; شهری در الجزایر

صحرائشینان شتر، اسب، گاو و گوسفند می آورند و شهرنشینان رغیف (کله قند)، پارچه و پول. قدیس برای تحریک سخاوت مؤمنانه آنها، می گوید: «آنکه دست خالی آمده، دست خالی خواهد رفت». در نتیجه، آنان که ثروت کمتری دارند، ترجیح می دهند به جای دست خالی آمدن، گدایی کنند. اما مسافران این سفر، فقط افراد عادی نیستند. افراد طبقات بالاتر هم دسته دسته می آیند تا از برکات قدیس بهره مند شوند. آنها هدایایی چون اسب، پارچه و پول تقدیم می کنند (منشور الهدایا، صص ۴-۱۳۳).

در همان ایام، عالم دیگری به نام ابوالحسن الیوسی روش های دیگری را که در کرانه های شرقی غرب در جریان است، رد می کند. او درباره مکان مورد احترامی در «رباط صالح» می گوید: «مکانی زیارتی است که مردم برای کسب تبرک از قدیسانی که زمانی در آنجا می زیستند به آن سفر می کنند». وی بلافاصله می افزاید:

به نظر می رسد از میان قدیسان زمان ما، تنها یحیی بن یونس، نزد مردم شناخته شده است؛ اما در منابع، نامی از او دیده نمی شود. پادشاهان شناخته شده مرینیان^۱ نیز در آنجا هستند.

نتیجه گیری

به جز این دو، هر آنچه در تقدس این مکان گفته می شود و هر آنچه در برخی نوشته های شبه تاریخی آمده، بی پایه و تأیید نشده است (Berque (۱۹۵۸م)، الیوسی، (Al-Yousi)، ص ۶۰).

روحانیون جهت ایجاد چهارچوبی پایدار برای این زیارتگاه ها، اغلب با مریدان خود توافق نامه (شرط) می بستند. در دهه ۱۹۷۰م، دیل ایکلمن^۲ هنگام بررسی آنچه نویسنده آن را «مرکز زیارتی» شهر ابوالجعد مراکش می نامد، شنید که این قراردادها، از دوران بنیانگذار اخوت زاویه شرقی، سید محمد الشرقی (م ۱۰۱۰ق/ ۱۶۰۱م)، با قبیله های موکل منطقه بسته شده است. آستین (۱۹۷۶م)، اسلام مراکشی (Moroccan Islam)، ص ۱۶۹) نخستین بار، ژاک برک^۳ توجهات را به این گونه شروط جلب کرد. او «شرط» های میان قبایل اطلس بزرگ^۴ و قدیسان محلی را در اواخر دهه ۱۹۴۰م کشف و نمونه ای از آن را

۱. Marinid قبیله ای از بربرهای چادرنشین زناته که میراث دار موحدون در مراکش و مغرب الاوسط بودند.
۲. Dale Eickelman انسان شناس آمریکایی
۳. Jacques Berque جامعه شناس و اسلام پژوه فرانسوی
۴. High Atlas رشته کوهی در شمال آفریقا و مرکز کشور مراکش

در کتاب ساختارهای اجتماعی اطلس بزرگ (Structures Sociales du Haut Atlas) (۱۹۵۵، ۱۹۷۸، ص ۲۷۸) منتشر کرد. این قراردادها به مراکش محدود نبودند.*

امروزه برخی از این زیارتگاه‌های محلی با همان حرارت گذشته پابرجا است. اسبوع تیمیمون^۱ از جمله این زیارتگاه‌ها است که هر ساله پذیرای هزاران زائر می‌باشد. اما از سال ۱۹۹۳م، که «گروه‌های مسلح مسلمان» (GIA)، طرفداران متعصب آیین قدیسان، این حرم الجزایری را تخریب کردند، مراسم طعامی چون فلیته (Flitta)، برگزار نشده است؛ مراسمی که قبیله برای بزرگداشت قدیش، سیدمحمد بن عوده (Sidi M'hammad b. 'Uda)، (زنده در قرن هفدهم) برگزار می‌کرد.

این گردهمایی در اواسط دهه ۱۹۵۰م، هنوز هم از دیدنی‌ترین گردهم‌آیی‌های منطقه بود. امیل درمنگام (E. Dermenghem)، در کتاب آیین قدیسان در اسلام مغربیان^۲ (پاریس، ۱۹۵۴) آن را «یکی از بهترین این مراسم‌ها» می‌خواند. این مطلب در مورد مراسمی که برای بزرگداشت لاله عزیزه (قدیسی از قرن چهاردهم میلادی) در اطلس بزرگ برگزار می‌شد نیز صدق می‌کند. بیست سال بعد، پاول پاسکون (P. Pascon)، در بازدید مجدد از مسیر حرکت برک، به طور اتفاقی، چنین مشاهده کرد:

میقات

مهاجری که در حال بازگشت بود، آشکارا اعلام کرد که مطابق با آداب و رسوم کهنه قربانی نخواهد داد... در ماه می ۱۹۷۶م، بولدوزرها کرکور بزرگ [مدخل مربوطه] لاله عزیزه را برای تعریض جاده به داخل یک مسیل راندند... در جولای همان سال، جمعیت در حریم قدیسه، به اندازه کشتن یک گاو هم نبود (ساختارهای اجتماعی اطلس بزرگ).^۳ این نمونه‌ها نشان می‌دهد که فاکتورهای زیادی در تسریع افول گردهمایی‌های مذهبی بزرگ مغرب نقش داشته است. برخی از این فاکتورها ناشی از تغییرات اجتماعی سیاسی و برخی حاصل یکسان‌سازی بخش اعظم جمعیت است. اما دسته دیگری هم وجود دارد که از شرایط جدید اجتماعی‌سازی مذهبی به وجود آمده که مروج اصلی آنها در ابتدا، دولت بوده

* برای قراردادهای رایج در مغرب مرکزی، یعنی الجزیره، رجوع کنید به هوآری توآتی (Houari Touati) (۱۹۹۴م)، میان خدا و مردم (Entre Dieu et Les Hommes) (ص ۲۵۹).

۱. یک شهرک و کمون در الجزایر است که در ناحیه تیمیمون واقع شده است.

2. Le Culte des Saints dans L'islam Maghrebin

3. Structures Sociales du Haut Atlas

است. امروزه این نقش در الجزیره بر عهده گروه‌هایی است که در مراکش تحمل می‌شوند اما در تونس غیرقانونی هستند و همه آنها خود را اسلام‌گرا می‌دانند.

Bibliography:

1. L. Massignon, **Les saints musulmans enterres a Bagdad**, in RHR(1908), repr. In idem, *Opera minora*, ed. Y. Moubarac, Beirut 1963, iii, 94-101; idem, *Les pelerinages populaires a Bagdad*, in RMM, vi ;51-640,(1908);
2. T. Canaan, **Mohammedan saints and sanctuaries in Palestine**, London 1927 (well-founded, detailed survey; Arabic tr. Ramallah 1998);
3. J. Gaulmier, **Pelerinages populaires a Hama**, in BEO, i;52-137, (1931)
4. J. W. McPherson, **The Moulids of Egypt**, Cairo 1941;
5. R. Kriss and H. Kriss-Heinrich, **Volks Glaube im Bereich des Islam**, i, Wallfahrtswesen und Heiligenverehrung, Wiesbaden 1960 (useful survey for Egypt, Jordan, Syria and Lebanon);
6. E. Bannerth, **Islamische Wallfahrtsstddten Kairos**, Cairo 1973 (Schriften des osterreichischen Kultur instituts, 2);
7. F. de Jong, **Cairene Ziyaradays** ., in WI, xvii (1976-7), 26-43;
8. R. Wielandt, **Die Bewertung islamischen Volksglaubens in dgyptischer Erzdhliliteratur des 20. Jahrhunderts**, in WI, xxiii-xxiv (1984), 244-58;
9. G. Mayeur, **L'intercession des saints en Islam egyptien: autour de Sayyid al Badawi**, in AI, xxv (1991), 363-88;
10. VJ. Hoffman, **Sufism, mystics, and saints in modern Egypt**, Columbia, S. C. , 1995;
11. J. Gonella, **Islamische Heiligenverehrung im urbanen Kontext am Beispiel von Aleppo (Syrien)**, Berlin 1995;
12. S. Mervin, **Sayyida Zaynab. Banlieue de Damasou nouvelle ville saint echiite?**, in *Cahiers d'etudes sur la Mediterranee orientale et le monde turco-iranien*, no. 22 (1996), 149-62;
13. A. Knysh, **The cult of saints and Islamic reformism in early twentieth century Hadramawt**, in *New Arabian Studies*, iv (1997), 139-67. '(W. ENDE)
14. J. W. McPherson, **The Moulids of Egypt, Egyptiansaints' days**, Cairo 1941;
15. G. Viaud, **Les pelerinages copies en Egypte**, Cairo 1979;
16. P. Grossmann, **AbuMina, a guide to the ancient pilgrimage center**, Cairo 1986;
17. N. H. Biegman, **Egypt. Moulids, saints and Sufis**, London 1990;
18. P. van Doorn-Harder, **Contemporary Coptienuns**, Columbia, S. C. 1995, chs; 8-9;
19. O. F. M. Meinardus, **Two thousand years of Coptic Christianity**, Cairo 1999.